خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۲۱ مرداد ۱۳۹۶
۱۹ ذی القعده ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۶۳۶

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

حضرت علی (ع)

چه بسیار ند دانشمندانی که جهلشان آن‌ها را کشته در حالی که علمشان با آن‌ها ست، اما به حالشان سودی نمی‌دهد.
(نهج البلاغه، ص۷۵۵)

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
چون در تو نگرم از جمله تاجدارانم و تاج بر سر
و چون در خود نگرم از جمله خاکسارانم و خاک بر سر

مرا دل از بهر تو در کار است
و گر نه مرا با دل چه کار است
آخر چراغ مرده را چه مقدار است...

شاعران خراسانی

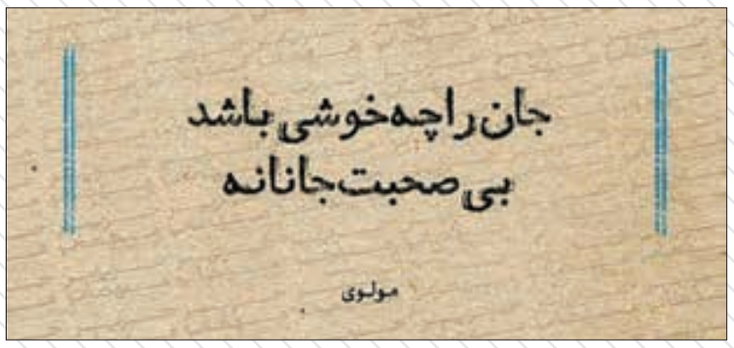

خراسان به روایت خراسان

۲۱ مرداد ۱۳۴۷

نجات از خطر مرگ با کوکو

۴۹ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: بامداد پریروز، فردی به نام حسن کارگر چاپخانه سراسیمه به مرکز پلیس راه ژاندارمری مراجعه کرد و گفت: برادرم عباس، ساعت ۶،۵ بامداد به اتفاق مادرم فاطمه و برادرانم امیر ۴ ساله و مرتضی ۵ ساله با اتوبوس رهسپار مشهد شدند و در میان غذایی که با خود برده‌اند، مقداری کوکو وجود دارد که به جای یکی از مواد متشکله آن اشتباها «سم» ریخته شده و اگر تا ظهر امروز اتوبوس حامل آن‌ها پیدا نشود و جریان به آن‌ها گفته نشود، هر چهار نفر خواهند مُرد. حسن اضافه کرد: در موقع طبخ کوکو چون عجله بود، اشتباها قوطی سم در آن خالی شد. افسر نگهبان پلیس راه جریان را به رئیس پلیس راه اطلاع داد و وی نیز دستور داد تا مشخصات اتوبوس‌هایی که بامداد آن روز از تهران رهسپار مشهد شده بودند و همچنین خط سیر آن‌ها از گراژ سوال شود و سپس با بیسیم به همه اتومبیل‌های پلیس راه و پاسگاه‌های ثابت و سیار این سازمان در راه‌های مشهد «جاده قدیم و جاده آمل» دستور داده شود تا اتوبوس حامل این چهار نفر را پیدا کنند و کوکوهای سمی را از عباس و همراهانش بگیرند. ۳ ساعت بعد پاسگاه پلیس راه آمل خبر داد که عباس و همراهانش در اتوبوس شماره ۸۵۲۵ سوار بودند و کوکوهای سمی قبل از آن که مورد استفاده این چهار نفر قرار گیرد از آن‌ها گرفته شده و جهت آزمایش به تهران ارسال گردید و خطر از این چهار نفر دفع شد.

● بار دیگر ساختمان منبع آب تعطیل شد

قبلا خبری داشتیم تحت عنوان لوله کشی کلات تعطیل است و پس از چند روز که از درج خبر گذشت، مسئولین امور به کلات وارد و ضمن پرداخت دستمزد کارگران شروع به کار نمودند. اما مجددا یک هفته‌ای است که ساختمان منبع آب را تعطیل نموده‌اند، در صورتیکه قرارداد در سال ۴۵ بسته شده و باید در همان سال تحویل می‌شد.

● شکایت از مردی که با اسلحه کمری تقلبی و زبان چرب مردم را اغفال می‌کرد

از مدتی قبل اطلاعاتی به شهربانی و آگاهی می‌رسد مبنی بر اینکه مرد ۴۰، ۵۰ ساله‌ای با لباس مامورین راه آهن به عنوان استخدام اشخاص در راه آهن مبادرت به اخاذی و کلاهبرداری می‌نماید. چند نفری نیز با مراجعه و تسلیم شکوائیه، مدعی گردیدند که شخصی که دارای لباس مامورین راه آهن بود، طبق شرایطی می‌بایست آن‌ها را به عنوان سوزن بانی یا کنترل و غیره به استخدام راه آهن درآورد لیکن پس از دریافت مقداری وجه و مدتی سر دواندن و امروز و فردا کردن، متواری شده است. به دنبال تحقیقاتی که در مورد هویت و مشخصات این فرد به عمل آمد، معلوم شد که وی غلامرضا نام دارد و مردی است ۵۴ ساله. با مشخص شدن این موارد، بلافاصله نسبت به دستگیری وی اقدام گردید. در بازجویی که از متهم به عمل آمد ابتدا منکر هرگونه اتهام و اصولا آشنایی با مدعیان خود گردید و اظهار داشت که از روی اغراض خصوصی و دشمنی به وی افترا زده‌اند ولی با ادامه تحقیقات و ارائه دلایل موجود بالاخره مجبور به اعتراف گردید و اظهار داشت: بیکاری و بی‌پولی او را وادار به کلاهبرداری نموده است. در بازرسی بدنی که از متهم به عمل آمد، یک جلد اسلحه کمری یا هفت‌تیر کوچک مخصوص بازی بچه‌ها کشف شد که متهم آن را به منظور کسب اعتبار بیشتر و جلب اطمینان اشخاص به کمرش بسته بوده است. اکثر کسانی که به عناوینی گول گفته‌های وی را خورده و پولی جهت استخدام در قسمت‌های مختلف راه آهن به وی داده بودند و به طریقی کلاهشان را برداشته است، اظهار می‌دارند که وی با نشان دادن هفت‌تیر اظهار امیدواری می‌کرده که به زودی به آن‌ها نیز یکی از این اسلحه‌های کمری تحویل گردد. براساس شکایت شاکیان پرونده امر به دادسرا ارجاع گردید.

نمای تاریخی

عکسی از آتش‌سوزی در سالن هلال احمر مشهد- سال ۱۳۱۶ه.ش

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه‌فرنگی	۱۸۰۰	کیلوگرم
سیب‌زمینی	۱۵۰۰	کیلوگرم
پیاززرد	۲۴۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۶۰۰	کیلوگرم
لوبیاقرمز	۷۸۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی ذرت	۲۵۵۰۰	حلب ۴/۵ بدون پالم
برنج پاکستانی درجه یک	۷۳۰۰	کیلوگرم
روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
مرغ گرم	۷۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی(لاشه)	۳۹۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۹۵۰۰	کیلوگرم

آدم‌ها و قصه‌ها

صالحی

گفت‌وگو با «اردشیر کامکار»، آهنگ ساز

اخلاق بر شهرت ارجح است

از چهره‌های درخشان موسیقی این سرزمین است؛ تاریخ پنج دهه اخیر هنر کمانچه ایرانی و کردی به آوازه این استاد آهنگ سازی و هنر نوازندگی‌اش معترف است. «اردشیر کامکار» در طول این سال‌ها برای گسترش هر چه بیشتر قابلیت‌های ساز کمانچه کوشیده است. با تکیه بر استعداد ذاتی و توانمندی‌های کسب شده خود دست به ابتکارات بدیعی زده و از این رهگذر کمانچه را به سازی فوق‌العاده تأثیر گذار مبدل کرده است. از شاهکارهای هنری مورد اقبال وی، می‌توان به قطعه «برتارک سپیده» برای کمانچه و ارکستر، آلبوم‌های «ناشکیبا» با خوانندگی همایون شجریان به زبان فارسی و «خوشه هورامان» به زبان کردی اشاره کرد. در حاشیه سفر اخیر استاد کامکار به شهر مشهد برای برگزاری یک دوره مستر کلاس موسیقی، گذری بر پنج دهه تلاش و کارنامه هنری این هنرمند شهیر کشورمان داریم.

● ماجرای برادران کامکار

محله قدیمی چهارباغ شهر سنندج، در ۲۸ آبان ۱۳۴۱ شاهد مولودی از تبار هنردوست کردستان بود. اردشیر، فرزند یکی مانده به آخر خانواده کامکار است و به غیر از او شش پسر و یک دختر عضو این خانواده بزرگ هستند و همه اهل عالم پر رمز و راز موسیقی.

پدرش، حسن کامکار از استادان پیش کسوت موسیقی کردستان بود. وی در رسته موزیک ارتش به نواختن سازهای بادی مشغول بود و در کنار آن به ویولن علاقه بسیاری داشت. به همت پدرش آموزشگاه موسیقی در شهر سنندج دایر و دوره‌های آموزش اصول مقدماتی تا پیشرفته موسیقی برای علاقه‌مندان برگزار شد.

شاگردان بسیاری از جمله اردشیر و برادرانش در این آموزشگاه و در قالب گروه‌های «باربد» خردسالان، بانوان و بزرگسالان، به فراگیری فنون موسیقایی پرداختند. وی در کودکی نواختن ویولن را نزد پدرش فراگرفت و از این جهت، پدرش را اولین و مهم‌ترین استادش می‌خواند. بیشتر ایام کودکی اردشیر کامکار و برادرانش به حشر و نشر با اهالی موسیقی، اجرا بر صحنه کنسرت و سفرهای کاری با گروه «کامکارها» گذشت. او خیلی زود در این عرصه رشد کرد و به عنوان نوازنده کمانچه و ویولن به عضویت ارکستر فرهنگ و هنر سنندج درآمد.

● هجرت از خود در پی کشف و بیان

کامکار برای یافتن بن مایه‌های موسیقی اصیل ایرانی زادگاهش را به مقصد پایتخت ترک می‌کند. خودش در این باره می‌گوید: «سال ۱۳۵۸ برای آموختن سطوح جدی‌تر این هنر به تهران سفر کردم و نزد استاد محمدرضا لطفی، استاد تار ایران که نسبت خویشاوندی هم با وی دارم، تحت آموزش ردیف‌های سنتی موسیقی ایرانی قرار گرفتم. در کنار آن نزد استادان پیشتاز موسیقی کار را دنبال کردم. ردیف‌های موسیقی را نزد استاد داوود گنجه‌ای و کمانچه را هم پیش استاد علی‌اصغر بهاری آموختم. با استاد محمدرضا شجریان هم جواب آواز کار کردم.»

سال‌ها پیش از سفر وی به تهران، برادرانش به همراهی استادانی همچون لطفی و شجریان، گروه «شیدا» را راه‌اندازی کردند و به اجرای برنامه در رادیو و برگزاری کنسرت پرداختند. گروه «عارف» نیز از دیگر گروه‌های فعال موسیقی آن دوران بود که هر دو بعد از انقلاب در چارچوب کانون «چاوش» آثار بسیاری را در تاریخ موسیقی ایران رقم زدند. این استاد آهنگ سازی و نوازندگی، اولین تجربه جدی خود را قطعه «بیداد» معرفی می‌کند. وی در ادامه این مسیر پر فراز و نشیب، قطعات شاخص فراوانی خلق کرده و توانسته با بهره‌مندی از خلاقیت، امکانات صوتی این ساز را ارتقا دهد که این تجربیات را در کتاب «برتارک سپیده» منعکس کرده است. وی همچنین بیان می‌کند: ۱۵۰ قطعه مخصوص کمانچه نیز در دست تهیه دارم که از لحاظ تکنیکی و حرکتی برای کمانچه‌نوازی مفید خواهد بود. همچنین کتاب آموزشی از صفر تا دوره عالی کمانچه‌نوازی را در دست تهیه و چاپ دارم. این استاد موسیقی سنتی ایرانی درباره بخشی از خاطرات ۵۰ ساله‌اش بر ایمان چنین روایت می‌کند: از ۱۰ سالگی اجرا را شروع کردم. همراه گروه‌های عارف، شیدا و دستان تقریبا به تمام کشورهای دنیا سفر کرده‌ام و با استادانی نظیر محمدرضا شجریان، پرویز مشکاتیان و شهرام ناظری کنسرت داشتم.

استاد کامکار اجرای سه‌گاه جشن توس در آرامگاه فردوسی در سال ۱۳۵۴ را یکی از خاطرات شیرین گروه شیدا می‌داند و می‌گوید: اما یکی از مهم‌ترین برنامه‌های هنری که امسال خواهم داشت، اجرا به همراه ارکستر سمفونیک در تورنتوی کانادا خواهد بود که ۱۷ بهمن ماه روی صحنه می‌رود.

● شعر و موسیقی خراسان، حرف زیادی برای گفتن دارد

به اعتقاد کامکار، موسیقی بیان احساسات و درونیات هر انسانی به صورت آهنگین است. به تعبیری دیگر، الهامی است از کائنات به هنرمند. هنرمند هم کسی است که این امواج را دریافت و بیان کند و گرنه هر کسی ۱۰ سال مداوم کار کند، می‌تواند نوازنده شود. کسی که این خلاقیت را داشته باشد تا پیام طبیعت را به آهنگی بیان سازد، هنرمند لقب می‌گیرد.

وی ایران را دارای نحله‌ها و فرهنگ‌های مختلفی می‌داند و اضافه می‌کند: از این میان، خراسان با پیشینه تاریخی در شعر و ادبیات این کشور، صاحب فرهنگ غنی است که آن را بسیار دوست دارم. از لحاظ غنای موسیقایی نیز در زمره نقاط مستعدی است که باید ظرفیتش را قدر دانست و آن را پرورش داد تا در عرصه جهانی بیشتر معرفی شود. از سوی دیگر، گستره ملودی‌ها و آهنگ‌های بومی و همچنین شمار نوازندگان پرتوانش، چشمگیر است.

وی ادامه داد: من نوازنده تخصصی موسیقی سنتی هستم، با این حال روی هنر بومی کردی متعصب نیستم و همه نوع موزیک را گوش می‌دهم. ساعت‌ها روی موسیقی خراسان خاصه کمانچه و دوتار نوازی و ظرافت‌های ملودی‌هایش وقت گذاشته و مطالعه کرده‌ام.

● مفاخر فرهنگی جدی گرفته شوند

به نظر کامکار، مشکل امروز این هنر در حوزه اجرایی است. در عرصه موسیقی محلی و کلاسیک نه تنها سرمایه گذاری نمی‌شود، بلکه به جای تعلق گرفتن یارانه و کمک به این حوزه، می‌خواهند از آن درآمد هم حاصل شود.

وی توضیح می‌دهد: یکی از بهترین راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، تبلیغات مناسب برای موسیقی بومی و سنتی خودمان است. من در مدت ۵۰ سال کار، همیشه از خودم برای ادامه کار مایه گذاشتم و هیچ فردیا نهادی، به جز مردم از ما حمایت نکرد. موسیقی خراسانی و کردی جزو مفاخر فرهنگی ماست که باید جدی گرفته شود. وی به سبک و سیاق هنرجویان و نسل نو موسیقی اشاره کرد و گفت: نسل جدید، کمی با نسل پیش از خود تفاوت دارد؛ به ویژه در زمینه اخلاقیات. اقلیتی از ایشان تا کمی در حوزه هنری پیشرفت می‌کنند، دچار خودبزرگ‌بینی می‌شوند و این آفت بزرگی برای هنر است و باید در این باره مراقبت بیشتری داشت.

استاد کامکار با تاکید بر اهمیت داشتن منشی فروتنانه در برابر استادان، تاکید می‌کند: خاطرم است، ۱۸ سال بیشتر نداشتم و روزی ۱۰ ساعت تمرین می‌کردم و به سادگی می‌توانستم تمام نواها را اجرا کنم اما وقتی سر کلاس استاد بهاری که مانند پدر دوستش داشتم، حاضر می‌شدم، بسیار رعایت احوال و جایگاه ایشان را می‌کردم چنان که اگر استاد تمرینی می‌داد، بلافاصله آن را اجرا نمی‌کردم تا به زعم خودم، استاد ناراحت نشود. در هنر به مثابه دیگر حوزه‌ها اخلاقیات اصل است و بر همه امور از جمله پیشرفت و کسب شهرت ارجحیت دارد. مگر می‌خواهیم به کجا برسیم، هیچ کس نمی‌تواند جای کس دیگری را بگیرد، هر کس استعداد خودش را دارد. هنر، ودیعه‌ای آسمانی است و نباید بازیچه شود.

> نسل جدید تا کمی در حوزه هنری پیشرفت می‌کند، دچار خودبزرگ‌بینی می‌شود و این آفت بزرگی برای هنر است

یادداشت

سیدامیر حسین قاضی زاده‌هاشمی

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

عارضه سود بالای بانکی و خطری که بخش‌های مولد را تهدید می‌کند

چندسالی است سود بالای سپرده‌ها در سطحی فراتر از نرخ تورم پرداخت می‌شود؛ دلیل این نرخ نامتعادل، رقابت ناسالم بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری است؛ این پدیده، کسب و کارها را از توسعه فعالیت بازمی‌دارد و مردم را به جای مشارکت در اقتصاد به سپرده‌گذاری و دریافت سود ترغیب و این امر منابع مالی را از گردش اقتصادی کشور خارج می‌کند. در چنین شرایطی این سوال مطرح می‌شود که باید چه نسبتی بین نرخ بهره بانکی در یک کشور و نرخ رشد اقتصادی آن برقرار باشد؟

یک کشور را به عنوان یک خانواده در نظر بگیرید. حالا خانواده‌ای را فرض کنید که بنگاه اقتصادی دارد و بنگاه اقتصادی او سالانه دو درصد ارزش افزوده تولید می‌کند، اما همین خانواده پول قرض گرفته است و سالانه ۲۰ درصد سود پول به قرض دهنده پرداخت می‌کند، آیا این خانواده رفتاری عقلانی در عملکرد اقتصادی خود دارد؟

فرض کنید یک تبعه خارجی یک میلیارد دلار را به ریال تبدیل و در چهار سال گذشته در بانک‌های ایران سپرده گذاری کرده است. نرخ رشد اقتصادی بدون نفت ایران در چهار سال گذشته کمتر از دو درصد بوده است، این در حالی است که اگر این فرد خارجی پس از چهار سال بخواهد پول خود را دوباره به دلار تبدیل کند، برای هر سال بیش از ۱۰ درصد سود عاید او شده است. سودی که این فرد خارجی با خود از ایران خواهد برد، نه از محل ایجاد ارزش افزوده و کسب و کار در ایران، بلکه از محل فروش نفت تامین شده است، زیرا با رشد اقتصادی دو درصدی آن هم منهای نفت، هیچ‌گاه نمی‌توان این سود را تامین کرد. به زبان دیگر، سیستم بانکی ایران به این فرد خارجی بدون هیچ زحمتی یارانه چند میلیون دلاری از سرمایه ملی نفت پرداخت کرده است!

برای آن که مسئله را ساده‌تر کنیم، به مثال خانواده برگردیم. یک خانواده در حالی که بنگاه اقتصادی‌اش، می‌تواند هر سال به ازای هر یک میلیون تومان سرمایه، ۲۰ هزار تومان ارزش افزوده تولید کند، اما پول قرض کرده و به ازای هر یک میلیون تومانی که قرض کرده است سالانه ۲۰۰ هزار تومان سود می‌دهد! اولا واضح است که قدرت اقتصادی بنگاه این خانواده توان پرداخت این سود را ندارد، پس در واقع خانواده دارد طلاهای خود را هر سال می‌فروشد تا سود پول را تسویه کند. جذب سرمایه‌ای که به تولید و ایجاد ارزش افزوده منجر نشود، تنها باعث بدهکاری خانواده می‌شود، جامعه نیز همانند خانواده‌ای است که با بالا بردن نرخ بهره، این سیگنال را می‌دهد که می‌خواهد سرمایه جذب کند تا با استفاده از آن، رشد اقتصادی و ارزش افزوده را رقم بزند. حال سیستم بانکی ایران، در چند سال گذشته که نرخ تورم پایین بوده است، نرخ بهره واقعی حدود ۱۰ درصدی داشته که سیگنالی بزرگ برای جذب سرمایه بوده است. اما از آن جا که این سرمایه به سمت تولید و رشد اقتصادی نرفته، جامعه ایرانی بدهکار شده است. وقتی یک خانواده بدهکار می‌شود، دارایی‌های خود را می‌فروشد، اما دولت‌ها می‌توانند با کاهش ارزش پول، این بدهی را که مقصر آن تصمیم‌گیران اقتصادی دولت بوده‌اند به میلیون‌ها شهروند آن کشور منتقل کنند. تا زمانی که سرمایه گذار پول خود را در بانک بگذارد یا زمین بخرد یا کالا وارد کند یا سکه طلا بخرد و در خانه نگه دارد و از همه این‌ها سود بالایی ببرد، هیچ‌گاه راغب نیست در حوزه خدمات و تولید سرمایه‌گذاری کند پس در ایران کسب و کار و کارآفرینی پیش نخواهد رفت. برای این که اقتصاد ایران موفق شود باید راهی برای سود بردن بدون ایجاد ارزش افزوده وجود نداشته باشد. مبارزه با زمین‌خواری و مالیات بر سوداگری یعنی سوق دادن سرمایه به سمت تولید و اشتغال. وجود سرمایه‌ای که به ایجاد ارزش افزوده منجر نشود، نه تنها مفید نیست، بلکه سبب بدهکار شدن ایران می‌شود و این بدهکاری هر چند سال یک بار به شکل کاهش ارزش پول، خود را به زندگی مردم تحمیل می‌کند. دولت‌ها در ایران فکر می‌کنند هدف از مالیات گرفتن تامین بودجه دولت است، نه این طور نیست. هدف از وضع مالیات بر بعضی بخش‌ها این است که سرمایه تنها به سمت تولید ارزش افزوده سوق داده شود و در خدمت رشد اقتصادی قرار گیرد. رشد اقتصادی، میزان ارزش افزوده‌ای است که سالانه در کشور تولید می‌شود. در کشورهای پیشرفته، سیاست مداران کار عجیبی انجام نمی‌دهند، تنها کار آن‌ها این است که با دریافت مالیات‌های سنگین از بخش‌های غیر مولد و سوداگر و اهدای تسهیلات به بخش‌های مولد، سرمایه‌گذار را به سمت تولید و اشتغال سوق می‌دهند. یعنی کاری می‌کنند که کسی نتواند بدون تولید ارزش افزوده حتی یک دلار اضافه درآمد کسب کند. اما ما در ایران سیستم بانکی را طوری تنظیم کرده‌ایم که حتی به خارجی‌هایی که در بانک‌های ایران سپرده‌گذاری کنند نیز از محل پول نفت، یارانه می‌دهیم. در واقع خطاهای بزرگ تصمیم‌گیران اقتصادی، به مدد پول نفت ملی، در این سال‌ها پوشانده شده و بدهی بار آورده و کاهش ارزش پول ملی نیز با از بین بردن رفاه ایرانیان جبران شده است. امید داریم در رویکردهای اقتصادی آتی، به همه این نکات ظریف توجه شود و گام‌هایی جدی‌تر برای مولدسازی بخش‌های مختلف کشور برداریم.

لطفاً پیگیری کنید
خبرنگار شهروند
۰۹۳۹-۳۳۳۳۰۲۷
@khorasanerazavi

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا کیانیان همراه با پویش «از خودمان شروع کنیم» در خیابان‌های تهران حضور یافت. این پویش با هدف اصلاح و ارتقای فرهنگ ترافیک در زمینه حقوق عابر پیاده و توسعه استفاده از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه، در قالب اجرای نمایش‌های خیابانی در تهران در حال اجراست که روز گذشته این بازیگر هم به آن همراه شد.

رضا عنایتی کاپیتان سابق استقلال دوران مربیگری‌اش را آغاز کرد. رسانه‌ها نوشتند: عنایتی هم اکنون در ترکیه حضور دارد و در یک دوره مربیگری در این کشور شرکت کرده است. مهاجم گلزن فصل گذشته صبای قم که به تازگی از فوتبال خداحافظی کرده به تمرین آلانیا اسپور، تیم فصل گذشته سجاد شهباززاده رفت و تمرینات این تیم را تماشا کرد تا با کسب تجربه بیشتر، خود را آماده حضور رسمی در عرصه مربیگری کند.
عنایتی در پایان لیگ شانزدهم کفش‌های خود را آویخت و اعلام کرد می‌خواهد وارد دنیای مربیگری شود. او چند پیشنهاد لیگ یک و لیگ دویی داشت اما ترجیح داد ابتدا به کلاس‌های مربیگری برود و سپس رسما کار خودش را آغاز کند.

باشگاه هیرنفین هلند در اقدامی جالب و تحسین برانگیز وفادارترین هوادار خود را شگفت‌زده کرد. آن‌ها پیراهن ورزشی و امضا شده رضا قوچان‌نژاد مهاجم ایرانی خود را به این هوادار هدیه دادند تا به نوعی از او تقدیر به عمل آورده باشند.
گوچی، فصل قبل با به ثمر رساندن ۱۹ گل بهترین گلزن هیرنفین و دومین گلزن اردی ویژه شد و به همین دلیل از محبوبیت بالایی نزد هواداران این تیم برخوردار است.

تصویری از برداشت عسل در روستای پایه شهرستان چناران